

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

خالق داد پغمانی

۰۵.۰۱.۱۰

تفرجگاه جواسیس جنگسالار

بعد از اینکه در جریان چند روز اخیر دوستان دور و نزدیک با تلفون های شان دست نوازش بر سر این "بسیار خوان هیچ مدان" *کشیدند و به خصوص آقای "هیوادوال" که همیشه از صراحت لهجه و عمق دید ایشان بهره برده ام با یاد آوری از این قلم بر خجالتم افزودند، به این فکر افتادم که اندکی به کار های گذشته خویش نظر اندازم، تا نکند به اصطلاح بیخبردسته گلی به آب داده باشم و خود از آن بی اطلاع باشم. وقتی به نوشته هایم که خوشبختانه برای یافتن درد سر ساز نیستند چه جمعاً از تعداد انگشتان تجاوز نمی نمایند، مراجعه کردم، متوجه شدم که خلاف تمام وعده و عید ها برای "سرقومندان اعلی اردوی ۶ نفره ما" که به کار سرکار دخالت نمی کنم، در جریان نوشته های اخیر، من هم سیاسی نویسی شده و خلاف سایر آقایان که "سیاست" کردن را در خانه مشق می کنند، مانند همیشه سرچیه کار کرده سیاست را از بیرون شروع کرده ام.

با این ملاحظه سخت به تشویش افتادم که خدا کند "سر قومندان" خیر نشود.

- هر چند فکر می کنم اندکی بوی برده است. زیرا دیروز با همان لحن تحکم آمیز که از سی سال بدین طرف به شنیدن آن عادت کرده ام، پرسید:

"او آدم باز چه کدی که هر کدام زنگ می زنن و تبریک میگن؟"

قبل از اینکه من پاسخ بدهم خوشبختانه بچه ها به کمک شتافته، "هادی جان" پسر کلان ما گفت:

"حتماً لاتریش برآمده و کسی ره نمیگه"

هنوز حرف "هادی" تمام نشده بود که برادر کوچک تر از او "ابراهیم" با همان لحن آرام و اطمینان بخش همیشگی گفت:

"نکنه کدام زن من گرفته باشه که ایقه مردم تلفون می کنه و مبارکی میتن"

با ختم این جمله "سرقومندان" یکی از آن نگاه هائی به طرفم انداخت که نه تنها دل شیر را آب می کند بلکه به سر نازنین تو خواننده عزیز قسم هرگاه کدام مردی به آن نگاه قبل از نکاح سر بخورد با سرعت راکت های بالستیک از مجلس عقد فرار خواهد کرد، و گفت:

"از ای آدم شکی نیست"

من هم با توسل به سیاست موفقیت آمیز سی ساله خود پناه برده بدون یک کلمه تبصره به اتناق دیگر رفتم تا خود را به نماز خواندن مشغول نشان دهم-

در هر صورت وقتی امروز به سایت های انترنیتی سر زدم و مقالات جدید را از نظر گذراندم متوجه شدم که نزد اکثر افغان های ما رد کابینه به وسیله به اصطلاح پارلمان دولت پوشالی مهم جلوه نموده و هریک از منظر خود به قضیه پرداخته اند***. اگر از یاهو هائیکه در آن به صورت جدی آن اداره پوشالی مورد تأیید قرار گرفته و حرکت اخیر آنرا دال بر استقلال قوه مقننه معرفی می کردند بگذریم، انصافاً مقاله داکتر صاحب "عزیز" چنان افشاءگرانه و کوبنده بود که دلم را یخ نمود، با آنهم این چند نکته را خدمت خوانندگان تقدیم می دارم، امید است ارزش یک مرتبه خواندن را داشته باشد.

به نظر من پارلمان دولت پوشالی با این حرکت بلوغ سیاسی خویش را در شناخت پدیده ها به نمایش گذاشته و به دوست و دشمن فهماند:

"نخیر پارلمان طویله نیست بلکه تفرجگاه جواسیس جنگسالار است" اگر باور ندارید، پس با من باشید:

از آغاز دولت پوشالی کرزی، از یک طرف ناتو و سایر اشغالگران می خواستند از این "روپاه تموسی" شیر بزنم بسازند و از طرف دیگر باند کرزی هم سخت در کوشش و تقلا بود تا این شیر برفی را قبل از تابش آفتاب در بازار مکاره سیاست سودا نمایند، در نتیجه یک عده جنگسالار بیچاره و بیخبر از همه جا که با دادن ملیون ها افغانی و چاکری هندو و مسلمان خود را به "پارلمان" رسانیده بودند، همیشه فکر می کردند، که اگر هست و نیست همین کرزی و برادرانش است، این آنها هستند که وطن را فروخته اند، این آنها هستند که در خدمت تمام اشغالگران قرار دارند، این آنها هستند که نزد قاتلان مردم افغانستان قرب و منزلتی دارند، این آنها هستند که در افغانستان هرچه بخواهند می توانند به زور باداران شان انجام داده و کسی را یارای مخالفت چه که حتماً رقابت با آنها نیست.

تا اینکه انتخابات قلبی در اوج تقلب انتخاباتی همه چیز را مانند روز، روشن و آشکار نمود و آنهم اینکه میخ دنیا را کسی به نام کرزی به زمین نزده که هر چه بگوید، همان مورد قبول قرار گیرد. بلکه هرکس می تواند با اندکی افزودن بر میزان وطن فروشی و بی غیرتی، خود کرزی خویش گردد. در نتیجه افرادی که به ناحق از طرف خانم جویا بر اعتبار آنها افزایش به عمل آمد و ساکنان طویله معرفی گردیدند با زرنگی شغلی خویش چند نکته را به زودی دریافته و خواستند از آن استفاده لازم بنمایند:

- آنها با این حرکت به کرزی و باندش به صراحت اعلام داشتند که دیگر حاضر نیستند در وطن فروشی به دنبال وی روان باشند، بلکه چه به صورت فردی و چه هم به صورت جمعی مصمم اند که خود در آن جاده با تمام قدرت و با استواری تمام اسب خویش را رانده دیگر منتظر نمانند تا نزد اشغالگران آدم های درجه دو به شمار بیایند. آنها خواهند کوشید تا به صورت مستقیم و خویتر و سریعتر از کرزی خر مراد اشغالگران را به سر منزل مقصود رسانیده افغانستان را بدانها اجاره دایمی بدهند.

- آنها به کرزی و اشغالگران به صراحت اعلام داشتند که به مصداق مثل "شتر دزدی به خپ خپ رفتن نمی شود" بعد از این حاضر نیستند افراد پوششی و یا مشکوک منسوب به اشغالگران را به رسمیت بشناسند، اگر از آنها همکاری می خواهند، باید افرادی را معرفی کنند که هیچ شک و یا شبهه ای در جاسوس بودن و وطن فروش بودن آنها وجود نداشته باشد و همه باید از چنان سوابق درخشانی برخوردار باشند که وردک ها، اتمر و رهین برخوردار

اند. تا این مردم بیچاره مجبور نباشد برای شناخت یک جاسوس اینهمه زحمت را قبول نموده تا سر انجام هویت یک جاسوس را کشف نمایند.

- اعضای به اصطلاح پارلمان اداره پوشالی با رد عده زیادی از کاندید ها زرنگی مسلکی خود را به اثبات رسانیده میدان داد و سند پولی را باز گذاشتند. که اگر از انصاف نگذیریم این حق آن بیچاره هاست. آخر وقتی پای وطن فروشی و بد دین و دنیا در میان باشد اعضای آن اداره پوشالی عین محکومیتی را نصیب می گردند که اعضای کابینه مستحق آن اند اما وقتی پای منفعت مادی از وطن فروشی باشد این بیچاره ها باید به "قروانه چند هزار دالر" در ماه بسازند، در حالیکه برخی از وزراء در یک قلم ۳۰ میلیون دالر در آمد داشته اند. به همین مناسبت باید آنها رد می شدند تا اول پول لازم را خرچ و کیل صاحب های محترم نموده بعداً اجازه تکیه زدن بر کرسی وزارت را دریافت دارند، که اگر چنین نکنند باید آرمان وزارت را به گور ببرند.

- زرنگی وکیل صاحب های دولت پوشالی در یک نکته دیگر نیز کاملاً برانزده بود و آنهم دادن رأی به افراد مثل رحیم وردک، اتمر، رهین و فاروق.

وقتی تمام وکیل صاحب ها سوابق درخشانی در جنگ سالاری دارند باید اولتر از همه به رحیم وردک رأی می دادند. تا چه وقت ما نمی خواهیم بفهمیم که وکیل صاحب ها نمک شناس هستند، آنها نمک رحیم وردک را نوش جان کرده اند، به صد ها و هزاران میل تفنگ را از طریق به اصطلاح وزارت دفاع ملی و کمیته های خلع سلاح رد و بدل نموده اند، وقتی ۵ سال تمام رحیم وردک در خدمت آنها قرار داشت بر پدر یک رأی لعنت که آنها از وی دریغ نمایند. آنها به رحیم وردک به خاطر رأی دادند که اولاً بیرقی جاسوس است و درثانی منافع مادی آنها را طی این ۵ سال از طریق مبادله هزاران میل تفنگ بر آورده ساخته است.

به همین سان رأی اتمر را باید به حساب آورد چه صرف نظر از سوابق درخشان وی که دیروز در خدمت "ک.ج.ب." قرار داشته و امروز نوکر گوش به فرمان "ام.آی.۶" انگلیس است، کاریکه به غیر از پرچی های اصیل پدر کسی انجام داده نمی تواند، در جریان انتخابات قلبی با تقلب های انتخاباتی در عمل توانائی خویش را نشان داده و به همه فهماند که می توانند روی وی حساب نمایند. یعنی کسیکه امروز به وی رأی می دهد فردا اسمش پیروز از صندوق رأی گیری بیرون خواهد شد و کسیکه رأی نداده دیگر مزه وکالت را هم نخواهد چشید.

فاروق وردک به خاطر رأی آورد که اولاً در مکتب غدر، خیانت و جنایت گلبدین بزرگ شده است، همه کس این را می داند که ناز های "پتره ئی" گلبدین در دوری از قدرت فقط "دو خود را پخته کردن است" ورنه او کجا و پنجه بر رخ ارباب کشیدن کجا؟ در نتیجه وقتی "گلو" به قدرت برسد افرادی مثل فاروق که طلایه دار قدرت وی اند می توانند نقش بس بزرگی اداء نمایند. علت دوم در آن رأی آوری تعلق آشکار وی به دولت "فخیمه" پاکستان است. دولتی که هم خودش و هم به وسیله اربابش امریکا و انگلیس حرف اول و آخر را در مورد افغانستان می زند، باید نماینده اش در کابینه وجود داشته باشد. از همه مهمتر برخورداری از نقش مشابه اتمر در جریان انتخابات بعدی است، که دوستان را از یاد نبرده یک دور دیگر نیز آنها را بر گرده مردم به صورت رسمی سوار خواهند نمود.

و اما زاچه گک مکتب خود ما رهین.

اگر قرار باشد کس و یا کسانی را نسبت به سابقه مخبری و خبرچینی جایزه و مقام بدهند به یقین رهین در بین افرادی اولی قرار خواهد گرفت که مستحق آن جایزه می گردند. چه به گمان اغلب مخبری و جاسوسی به عادت آن بیچاره تبدیل شده از زمانیکه متعلم مکتب غازی بود تا اکنون دمی از خدمت در این زمینه نیاسوده است. او بیچاره زحمتکش برای که نبود که خدمت خود را تقدیم نکرد، برای ظاهر خان که کرد؛ برای داوود خان که کرد؛ برای

خلق و پرچم که کرد، برای ایران، برای پاکستان، برای روس، برای امریکا و حتا در این اواخر برای هندوستان نیز صادقانه و بی ریا احوال برد و سیاست آنها را عملی نمود. اگر کسی با این سوابق درخشان از دید وکیل صاحب ها از دایره بیرون ماند، همه مردم بر آنها لعنت خواهد فرستاد و خدا را نیز خوش نخواهد آمد.

با در نظر داشت این نکات است که به نظر من پارلمان و یا بهتر است با همان اسم اصلی اش "تفرجگاه جواسیس جنگسالار" با درایت کامل به کسانی رأی اعتماد دادند که صد درصد در جاسوس بودن، و کار آمد بودن آنها مطمئن بودند و افراد دو روی و مذبذب را که جاسوسی می کنند اما از افشای هویت خود ترس دارند، هیچ چانس ندادند. این حرکت به ذات خود یک "رشدکیفی" را در درون کارکنان دولت پوشالی نشان داده و باید به آنها از این بابت تبریک و تهنیت گفت. استعمار به یقین وقتی می تواند در این کشور به عمر ننگین خود چندی بیشتر دوام دهد که از داشتن افراد بیشتری با خصوصیت "گ.. را خوردن و قاشقش را به کمر بستن" برخوردار باشد.

* - به نظر من آنها نیکه می نویسند "کم خوان هیچ مدان" در عین نادانی می خواهند حد اقل از استعداد و ذکاوت خویش دفاع نمایند چرا واضح است کسی که کم بخواند کم هم می داند. بدبختی وقتی به اوج آن می رسد که زیاد بخواند اما هیچ نداند از آنهم بالاتر دانسته را به کار نیندد.

** - اگر چه می توان گفت: همان وزراء، همان وکلاء و همان رأی داننها